

بازتاب انواع تلمیح در اشعار آئینی سید حمیدرضا برقعی

مسلم شعبانی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور مرکز خرمشهر، دبیر رسمی ادبیات فارسی متوسطه دوم شهرستان اروندکنار و آبادان

چکیده

شاعران هر دوره به خاطر اعتبار بخشیدن بر آثار خود از آیات قرآن مجید، احادیث پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) داستان‌ها و وقایع تاریخی استفاده کرده‌اند. یکی از این صنایع تلمیح است و از شگردهای بدیع معنوی به‌شمار می‌رود که بسیار مورد توجه شاعران واقع می‌شود. تلمیح در لغت «سبک نگریستن» و «گوشه چشم اشاره کردن» است و در فن بدیع عبارت است از این است که نویسنده یا شاعری برای اثبات سخن خود به آیه‌ای، حدیثی یا قصه یا مثل یا شعری مشهور و معروف اشاره کند. ارزش تلمیح به میزان تداعی بستگی دارد که از آن حاصل می‌شود. سیدحمیدرضا برقعی یکی از شاعران جوان است که در حوزه شعر آئینی از شاعران نامور دوره معاصر به‌شمار می‌رود و اشعارش دربردارنده تلمیحات دینی و قرآنی فراوانی است. این جستار به بررسی انواع تلمیح در اشعار آئینی وی می‌پردازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که تلمیحات برقعی بیشتر بر اساس توجه به آیات، احادیث و داستان‌های دینی است؛ و بین تلمیحات و نگرش دینی وی ارتباطی مستقیم وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: حمیدرضا برقعی، طوفان واژه‌ها، قبله مایل به تو، تلمیح، شعر آئینی.

۱- مقدمه

نویسندگان و شاعران ادبیات فارسی همواره از قرآن و احادیث و روایات و داستان‌های دینی بهره‌مند بوده و هستند؛ و بازتاب این بهره‌وری را در خلال یافته‌ها و اشعارشان به صورت‌های گوناگون آورده‌اند. شعر آئینی تاریخچه‌ای به درازای شعر فارسی دارد. در دفتر شعری هر شاعری صرفنظر از سبک و دوره شعری کمابیش شعرهایی در ستایش خداوند، بزرگان مذهبی و مضامین دینی دیده می‌شود. اگر توحیدیه‌ها و مناجات‌ها را به دلیل عمومیت در شعر بیشتر شاعران از قلمرو شعر آئینی خارج کنیم و صرفاً به مضامین عاشورایی و مدایح و مراثی پیامبران و امامان بپردازیم، باید گفت که شعر آئینی پیش از انقلاب عمدتاً به مضامین عاشورایی محدود می‌شد. پس از انقلاب شعر آئینی هم روند رو به رشدی داشته و هم تنوع بیشتری در موضوع و مضمون یافته است.

یکی از امکاناتی که شاعر می‌تواند به کمک آن، نقش خیال‌انگیزی شعر را به ظرفیت‌های معناآفرینی آن پیوند زند، استفاده از تلمیح است. تلمیح مصدر باب تفعیل از ریشه ثلاثی مجرد «لَمَحَ، یَلْمَحُ، لَمَحًا» به معنای گوشه چشم به چیزی نگریستن، دیدن و نظر کردن و آشکار ساختن و اشاره کردن است. (محمدی، ۱۳۸۵: ۷). تلمیح از جمله صناعاتی است که تابع چند عامل اساسی: یکی سنت ادبی و دیگری ذوق و دانش ادیب و سوم میزان دخالت عناصر بیرونی چون زندگی شخصی، محیط، تاریخ، سیاست، وقایع اجتماعی و... است. روشن است نویسندگان و شعرا بسته به اینکه در معرض کدام عنصر قرار می‌گیرند میزان و بسامد خاصی از تلمیح در آثارشان بیشتر می‌شود؛ بنابراین شاعری آرایه تلمیح را به کار می‌برد که اطلاعات جامع و کاملی از موضوع و مضمون مورد بحث داشته باشد؛ زیرا شاعر باید در خلال سخن به آیه‌ای شریفه، داستان، واقعه و... چنان اشاره کند که کلام با الفاظ اندک بر معانی بسیار دلالت کنند.

تلمیح یکی از آرایه‌های پرکاربرد در شعر و نثر فارسی است و اغلب شاعران بزرگ در سخن خود از این آرایه سود برده‌اند. سطح استفاده از تلمیح هم در بین شاعران و نویسندگان متفاوت است و هر شاعر با توجه به میزان اطلاعاتش در مورد مسائل اساطیری، ملی، مذهبی، فرهنگی و... از تلمیح بهره می‌جوید؛ اما ارتباط این آرایه ادبی با اشعار آئینی از زیباترین اشعار است. این آرایه در گذشته به خاطر ایجاز در متن و در مباحث ادبی جدید به دلیل ارتباط آن با مباحث متنی دارای اهمیت است. به همین دلیل در این پژوهش برآنیم به بررسی اشعار آئینی سیدحمیدرضا برقی از دیدگاه تلمیح بپردازیم تا با نحوه به کارگیری تلمیح در اشعار آئینی او و نوآوری او را در این حوزه نشان دهیم؛ و در پی پاسخ به سوالات زیر هستیم:

- انواع تلمیح در شعر برقی کدام‌اند؟
- میزان توجه برقی به صنعت تلمیح تا چه است؟
- از میان انواع تلمیح وی به کدامیک توجه بیشتری کرده است؟

۱-۱- اهداف پژوهش

از اهداف این پژوهش، آگاهی از کاربردهای تلمیح در مجموعه اشعار آئینی حمیدرضا برقی شاعر نوپرداز و معاصر و نیز راهیابی به بُعدی از ابعاد جهان شاعرانه اوست. این تحقیق برآن است در وادی تلمیحات آئینی برقی که سرشار از فرهنگ و دین و تاریخ دیگر دانش‌ها بهره‌مند است و با آگاه بودن از کاربرد تلمیح بهتر می‌توان به ابعاد هنری برقی در قالب اشعار آئینی او به شیوه مطلوبی دست یافت.

۱-۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

نگارنده در این پژوهش کوشیده است تا در دو اثر آئینی حمیدرضا برقی، به بازتاب انواع تلمیحات بپردازد. این پژوهش به صورت مجزا به تلمیحات گوناگون در اشعار آئینی وی پرداخته است. از آنجایی که تا کنون چنین پژوهشی در این زمینه صورت

نگرفته است تهیه چنین پژوهشی ضروری نمود تا خوانندگان را با شعر این شاعر آشنا سازند و میزان هنر وی را در بکاربردن تلمیح بشناسند.

۳-۱- روش تحقیق

تحقیق و پژوهش در هر علمی دارای روش ویژه‌ای می‌باشد؛ که در این میان دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی برای انجام تحقیقات خود از منابع مختلف چون فرهنگ‌ها، دایره المعارف‌ها، متون نظم و نثر، مقالات ادبی و... استفاده می‌نمایند. روش کار در این نوشتار، به شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی است. در این تحقیق که موضوع آن «بازتاب انواع تلمیح در اشعار آئینی سید حمیدرضا برقی» است تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و فیش‌برداری انجام گرفت؛ به این صورت که ابتدا درخصوص پیشینه این موضوع تحقیقی انجام شد و سپس با به دست آوردن منابع مختلف و مطالعه آن‌ها به یادداشت برداری با توجه به موضوع تحقیق پرداخته شد. در نتیجه روش تحقیق این نوشتار، روش کتابخانه‌ای و توصیفی است.

۴-۱- پیشینه تحقیق

با توجه به بررسی در سایت‌های مختلف در مورد موضوع تلمیح در اشعار آئینی حمیدرضا برقی هیچ‌گونه مقاله یا پایان‌نامه مستقلی نگاشته نشده است و اینجانب فقط با یک مقاله و یک پایان‌نامه در مورد برقی مواجه شدم که عبارتند از:

- پایان‌نامه کارشناسی ارشد «بررسی صورت و معنی در شعر سید حمیدرضا برقی»، ۱۳۹۵، زهرا حیدری، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- مقاله «بررسی تطبیقی سیمای امام رضا (ع) در شعر دعبل خزاعی و سید حمید رضا برقی»، ۱۳۹۴، مجید محمدی، کبری عزیزی، فرخنده میرزایی، مجله کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۵۹-۸۲.

۵-۱- جامعه تحقیق

جامعه تحقیق در این مقاله دو اثر از مجموعه اشعار آئینی سیدحمیدرضا برقی است که عبارتند از:

- طوفان واژه‌ها، ۱۳۹۲، چاپ هجدهم، انتشارات فصل پنجم.
- قبله مایل به تو، ۱۳۹۰، چاپ اول، انتشارات فصل پنجم.

۲- بحث و بررسی

۱-۲- شعر آئینی و انواع آن

هر مقوله شعری که صبغه دینی داشته باشد و متأثر از آموزه‌های اسلامی باشد، در قلمرو شعر آئینی قرار می‌گیرد، ستودن و توصیف زیبایی‌ها و عظمت‌ها در فطرت زلال انسانی ریشه دارد. هیچ کس نیست که در مواجهه با زیبایی - زیبایی‌های طبیعی و انسانی - هرجا و هرگونه که باشد، در درون یا در بیرون، تمجید و تکریم و ستایش آغاز نکند ادبیات آئینی، تجلی همین فطرت و فریاد سرشتین است؛ ستایش گل‌هایی که در باغ جهان شکفته‌اند رویت بیکرانۀ دریایی که تا ابدیت دامن گسترده و قله‌های شگفت و رازآمیزی که در چشم‌گردانی انسان هیچ‌گاه نمی‌توان ساده و آسان از آن‌ها گذشت و یا به رغم عقیده برخی آن‌ها را محدود و مقطعی دانست. (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۱۱).

شاعر دینی همانند مردی چراغ در دست است که در شب تاریک، گمشدگان را به جاده اصلی انسانیت و معنویت رهنمون می‌شود یا مانند راه‌بندی است که می‌کوشد تشنگان معارف ناب را به سرچشمه زلال معرفت برساند. برخی شعرآیینی را به کار بردن مفاهیم، اسطوره‌ها و نمادهای دینی در آثار هنری تعریف می‌کنند. (همتی، ۱۳۸۷: ۵۶).

و یا شعر آیینی غالباً شعری است که به نوعی موضوع مذهبی دارد و این موضوع می‌تواند ستایش یکی از بزرگان دین، فرایض و مناسک دینی و یا شرح و تبیین معارف دین باشد. (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۲۱).

شعر آیینی از نظر ساختار لفظی و نمای بیرونی و به کار گرفتن انواع سبک‌ها، شگردهای هنری و آرایه‌های لفظی و معنوی، هیچ فرقی با سایر انواع شعرهای رایج در ادبیات فارسی ندارد؛ شعر آیینی متأثر است از آموزه‌های قرآن کریم، تاریخ اسلام و پیشوایان دینی، منابع متقن روایی، کلمات قصار معصومین، نهج‌البلاغه، نهج‌الفصاحه، صحیفه سجادیه و ادعیه. (مجاهدی، ۱۳۷۹: ۳).

پس با سه قلمرو مشخص و قابل تعریف رو به رو هستیم و می‌توانیم شعر آیینی را به شاخه‌های زیر تقسیم کنیم:

- توحیدی، عرفانی، نیایشی
- ولایی (نبوی، علوی، فاطمی، عاشورایی و مهدوی)
- اخلاقی، عرفانی (محدثی خراسانی، ۱۳۸۸: ۲۵).

۲-۲- تلمیح از دیدگاه صاحب‌نظران

در لغت نامه دهخدا درباره این کلمه آمده است: اشاره کردن به چیزی، نگاه و نظر، خیال و تصور. (دهخدا، ذیل واژه).

تلمیح در لغت «سبک نگرستن» و «گوشه چشم اشاره کردن» است و در فن بدیع عبارت است از این است که نویسنده یا شاعری برای اثبات سخن خود به آیه‌ای، حدیثی یا قصه یا مثل یا شعری مشهور و معروف اشاره کند. (همایی، ۱۳۷۷: ۳۲۸).

دکتر سیروس شمیسا در کتاب خود «فرهنگ تلمیحات» در تعریف تلمیح می‌گوید: «تلمیح به تقدیم لام بر میم از ریشه لحم در لغت به معنی دیدن و نظرکردن و آشکارساختن و اشاره کردن است و در اصطلاح علم بدیع اشاره به قصه یا شعر یا مثل سائر است به شرطی که آن اشاره چنانکه از معنای شعر برمی‌آید تمام داستان یا شعر یا مثل سائر را دربرنگیرد.» (شمیسا، ۱۳۹۰: ۵).

دکتر کزازی در تعریف تلمیح می‌گوید: «تلمیح یا چشمزد آرایه‌ای است که سخنور به یاری آن می‌تواند بافت معنایی سروده را نیک ژرفا و گرانبیگی بخشد؛ و دریایی از اندیشه‌ها را در کوزه‌ای تنگ از واژگان فرو ریزد.» (کزازی، ۱۳۷۳: ۱۱۰).

مهدی محبتی در کتاب خود «بدیع نو» تعریف تلمیح را اینگونه بیان می‌کند: «و در اصطلاح علم بدیع اشاره به قصه یا شعر یا مثل سائر است به شرطی که آن اشاره چنانکه از معنای اشاره برمی‌آید، تمام داستان یا شعر یا مثل سائر را دربرنگیرد. به دیگر سخن، شیوه‌ای از سخنوری است که سخنور در ضمن سخن خویش به داستان، حدیث، آیه، ضرب‌المثل و یا کلامی مشهور اشاره کند.» (محبتی، ۱۳۸۶: ۱۱۲).

میمنت میرصادقی نیز در کتاب خود «واژه نامه هنر شاعری» در تعریف تلمیح می‌گویند: «تلمیح از لمح است و لمح یعنی دزدیده و با شتاب به چیزی نگاه کردن. تلمیح به معنی با گوشه چشم اشاره کردن، آن است که شاعر یا نویسنده در اثر خود اشاره‌ای ضمنی و کوتاه به حادثه، شخص، اسطوره، داستان، ضرب‌المثل یا گفته معروفی بکند. بدین ترتیب نویسنده با ایجاد تداعی خواننده را در تجربه‌ای که خود از این مقوله دارد سهیم می‌کند و به سخن خود عمق و تأثیر بیشتری می‌بخشد. استفاده از تلمیح، نشانه وسعت اطلاعات و غنای فرهنگی شاعر است و بر لطف و عمق شعر می‌افزاید.» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۷۰).

۲-۳- فایده تلمیح

نباید از وجوه زیباشناختی و موسیقایی تلمیح فارغ بود؛ زیرا تلمیح جدا از اشارتی که به بخشی از دانسته‌های تاریخی، اساطیری، فرهنگی و ادبی داده می‌شود، از آن‌جا که در فرایندی تقابلی با واژگان می‌گیرد، نوعی لذت تداعی و موسیقی معنوی ایجاد می‌کند. به دیگر سخن در ورای اشارات و تلمیحات پشتوانه عظیمی از اندیشه و ادراک هر قومی نهفته است که در طول سالیان دراز شکل گرفته است و چکیده آن اندیشه‌ها در قالب تلمیحات مورد استفاده شاعران قرار می‌گیرد؛ بنابراین فایده تلمیح علاوه بر لذت موسیقی معنوی، آشنایی با فرهنگ و اعتقادات یک ملت نیز هست.

۲-۴- معرفی سیدحمیدرضا برقی و آثارش

سید حمیدرضا برقی، شاعر آئینی و معاصر ایران است که در مرداد ۱۳۶۲ در شهر مقدس مشهد در جوار بارگاه حضرت معصومه (س) متولد شد. وی سرودن شعر را از سال ۱۳۸۳ آغاز کرد. در ابتدا سروده‌های خویش را در خدمت مداحان اهل بیت به کار گرفت. از سوابق او در زمینه شعر و ادب همین بس که تا کنون چهار مجموعه شعری از ایشان به نام‌های «طوفان واژه‌ها، قبله مایل به تو، رقع و حدودا ساعت سه» چاپ گردیده است. بیشترین حجم این آثار موضوعات مهدوی، علوی، فاطمی و عاشورایی است. در سال ۱۳۸۹ کتاب وی به نام «قبله مایل به تو» به عنوان کتاب برگزیده سال معرفی شد و در جشنواره فجر در سال ۱۳۹۰ شاعر مردمی نام گرفت. (روزنامه کیهان، شماره ۱۹۴۰۴، ۱۶/۴/۱۳۸۸).

این شاعر جوان و آئینی سرا توانسته است با اشعار جذاب و خاصش مخاطبان زیادی را متوجه شعر خود کند. آثار وی تا کنون بارها و بارها تجدید چاپ شده‌اند. از ویژگی‌های سبکی وی می‌توان استفاده از قالب‌ها و مضامین سنتی در سرودن اشعار آئینی را نام برد؛ و به خوبی توانسته است ارتباط بین شعر مذهبی و مفاهیم جهان معاصر را بیان کند. زبان شعری وی ساده است و با نگاهی نو به مضامین تکراری، زوایای جدیدی از موضوعات آئینی را کشف کرده و باعث جذابیت شعر وی شده است.

۳- بررسی و بازتاب انواع تلمیح در اشعار آئینی سیدحمیدرضا برقی

۳-۱- تلمیحات قرآنی

ادبیات فارسی بهترین جلوه‌گاه تجلی و تأثیر قرآن و احادیث نبوی است، این موضوع با نگاهی گذرا به آثار بزرگان شعر و ادبیات، تایید و استوار می‌گردد. بسیاری از اشارات و عبارات، تعبیرات و استدلال‌های شاعران از کتاب مبین و احادیث ائمه (ع) گرفته شده و در آثار آن‌ها آموزه‌های قرآنی و دینی در قالب تلمیح، اقتباس و تضمین به وفور یافت می‌شود هر کس بخواهد به ژرفای ذهن و اندیشه شاعران ادب فارسی پی ببرد، باید با خود قرآن و احادیث آشنایی کامل داشته باشد؛ چرا که بدون فهم دقیق و تأمل در کتاب خدا و احادیث درک اشعار سراینندگان امکان‌پذیر نیست. بر این اساس اگر شاعری از قرآن و حدیث آگاهی داشته و با آن‌ها مأنوس باشد، بازتاب آن در سروده‌های او نمایان خواهد بود.

◆ سوره کوثر

کتاب زندگیست را مرور باید کرد
مرور کوثر و تطهیر و نور باید کرد

(طوفان واژه‌ها، ۶۱)

إنا أعطیناکَ الْکُوثَرَ (۱) فَصَلِّ لِرَبِّکَ وَانْحَرْ (۲) إِنْ شِئْنَاکَ هُوَ الْآبِتْر (۳) (کوثر، ۳-۱)

تو را به کوثر و تطهیر و نور گریه مکن
که آیه آیه تن محکمت می‌لرزد

(قبله مایل به تو، ۳۳)

این ابیات تلمیح دارد به سوره کوثر که در داستان آن از این قرار است که دشمنان پیامبر بر وی خرده گرفته بودند که فرزند پسر ندارد و نسل ایشان رو به انقراض است. در آن زمان این آیات نازل می‌شود.

◆ سوره تکاثر

و وصف مردمش الهاکم التکاثر بود	در آن زمان که دل از روزگار دلخور بود
شبهه شعب ابی‌طالب از خدا پر بود	درون خانه تو نان فـــــقر آجر بود
حصیر خانه مولا به پایت افتاده است	بهشت عالم بالا برایست آماده است

(طوفان واژه‌ها، ۶۱)

این ابیات تلمیح دارد به ماجرای زندگی کردن پیامبر و اقوامش و مومنین به مدت سه سال در شعب ابی‌طالب که در این مدت در فقر و تنگدستی و سختی بسر بردند و در همان حال قبیله قریش که یاران پیامبر را در محاصر قرار داده بودند به مال و ثروت خود فخر می‌فروختند. در آن زمان این سوره در شرح آن بر پیامبر نازل شد. «أَلْهَأَكُمُ التَّكَاثُرُ» تفاخر به بیشترداشتن، شما را غافل داشت.

◆ سوره الزلزال

اگر اشاره کنی کائنات می‌لرزد	نهفته راز «إِذَا زُلْزِلَتْ» به چشمانت
(قبله مایل به تو، ۳۲)	

این بیت تلمیح دارد به سوره زلزال آیه اول. «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زُلْزَالَهَا».

◆ ازدواج علی (ع) و فاطمه (س)

علی از آن تو باشد، تو هم از آن علی	به حکم عشق بنا شد در آسمان علی
------------------------------------	--------------------------------

(طوفان واژه‌ها، ۶۱)

این بیت تلمیح دارد به ازدواج حضرت علی و فاطمه که در سوره کوثر و سوره الرحمن به آن اشاره شده است. «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ... يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُؤُ وَ الْمَرْجَانُ» (الرحمن، ۱۹، ۲۲) دو دریا را روان کرد تا با یکدیگر تماس پیدا کردند. از آن دو مروارید و مرجان بیرون می‌آید؛ که منظور از دو دریا حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) و منظور از مروارید، امام حسن (ع) و مرجان، امام حسین (ع) است.

◆ جنگ ابابیل و سپاه ابرهه

دام بگذار که گنجشگ تو جبرائیل است	واژه‌ها روی ابابیل لبث سجیل است
-----------------------------------	---------------------------------

(قبله مایل به تو، ۷۷)

این داستان در قرآن آمده است: أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ (۱) وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ (۲) أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ (۳) (سوره فیل/۳-۱) این بیت تلمیح دارد به واقعه تاریخی حمله سپاه ابرهه به کعبه که به امر خداوند پرنده‌گانی به نام ابابیل در حالی که سجیل (سنگریزه) در دهان داشتند سپاه ابرهه را در نابود می‌کنند.

۲-۳-تلمیحات پیامبران

۱-۲-۳- محمد (ع)

بی‌شک یکی از دلایل عمده پر بارشدن متون ادب فارسی، پرداختن سخنوران و نویسندگان بزرگ ما به راهنمایان و بزرگان ادیان توحیدی و بهره‌گیری از سیره آموزه‌ها و سخنان و نیز نعت و وصف آن بزرگان است که به صورت‌های چون تلمیح، استشهاد و... بیان گردید و در این میان وجود ذی‌جود خورشید بی‌غروب، پیغمبر عظیم الشان اسلام (ص) دارای جلوه و جایگاهی ویژه است و همواره نام و یاد رسول اکرم (ص) دستمایه بروز احساسات پاک و صمیمی و خلاقیت و هنرمندی شاعران و نویسندگان ایرانی بوده است که بهره‌آفی برده‌اند و گل واژه‌های کلام نبوی را در آثار خویش به گونه‌ای درخور و سزاوار نشانده‌اند آن‌ها به مدد ذهن وقاد و بیان و بنان استوار و آهنگین و موسیقایی خود جمال و کمال لفظی و معنوی سخن نبوی را روشن‌تر، جذاب‌تر و شنیدنی‌تر به ارباب قلوب پیش‌کش نموده‌اند. «چنانکه کمتر شاعری را می‌توان یافت که قصیده تا ترکیب یا ترجیعی در ستایش پیامبر اکرم و ائمه معصومین نسروده باشد و چنین به نظر می‌رسد که شاعران این کار را زکات طبع و قریحه خود به شمار می‌آوردند و از گزاردن آن به عنوان یک وظیفه محتوم دینی غفلت نداشته‌اند.» (صفا، ۱۳۶۹: ۶۲۲ جلد ۱).

این اشارات و تلمیحات در آثار حمیدرضا برقعی جلوه‌های زیادی دارد از جمله:

◆ همراهی جبرئیل در معراج با پیامبر (ص) و سوختن پره‌های وی

«سبحان الذی اسرى بعبدہ لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حوله لنزیه من آیاتنا انه هو السميع البصیر.» (سوره اسراء/۱).

بی‌شک مسأله معراج یکی از جلوه‌های درخشان حیات پیامبر اکرم (ص) است که در فرهنگ اسلامی ما، اعتقاد به آن از ضروریات دین اسلام است. حکایت شده است که در شب معراج پیامبر (ص) جبرئیل به نزد پیامبر می‌آید و براق (نام اسب پیامبر) را آماده می‌کند و به‌عنوان راهنما با وی در این سفر معنوی همراه می‌شود. وی پیامبر را از مسجدالاحرام به مسجدالاقصی می‌برد. سدره‌المنتهی که در آسمان هفتم قرار دارد می‌رسد و در آنجاست که هیچ موجودی اجازه ورود به آنجا را ندارد، حتی جبرئیل از حرکت می‌ایستد و به پیامبر می‌فرماید: «به یقین اگر به اندازه سرانگشتی بالاتر آیم پرو بالم خواهم سوخت.» (بحارالانوار، ۳۸۲ ج ۱۸).

در ادبیات فارسی در بین شاعران این همراهی جبرئیل بازتاب زیادی دارد. حمیدرضا برقعی به زیبایی این قضیه را در اشعار خود آورده است:

من جبرئیل سوخته بالم، نگاه کن
معراج چشم‌های شما آتشم زدند

(طوفان واژه‌ها، ۲۷)

◆ شق القمر (شکافتن ماه)

یکی از بزرگترین فضایل پیامبر اکرم (ص) معجزه و کرامات اوست او پیامبری است امی و والامقام. معجزه بزرگش قرآن است که او را از هر معجزه‌ای بی‌نیاز می‌کند؛ و شق القمر که مضمون اشارت قرآن کریم است: «اقتربت الساعة و انشق القمر (قمر/۱) آن ساعت نزدیک شد و ماه بر خود شکافت» یکی از معجزات پیامبر (ص) است آن‌چنان بود که شبی از شب‌ها حضرت محمد به تقاضای مشرکین، ماه را با اشارت انگشت بشکافت و آن را دو نیم کرد هر نیمه برآستین حضرتش فرو رفت و از گریبان او بالا آمد. این موضوع در ادبیات فارسی بازتاب بسیار زیادی دارد. برقعی نیز به این معجزه اشاره نموده است:

کوفه شد، علقمه شق‌القمری دیگری
دید ماه افتاد که محراب کند دریا را

(طوفان واژه‌ها، ۳۰)

◆ شکستن دندان پیامبر (ص)

زخم دندان تو و جام پر از خونابه
ماجرایی است که در ایل تو چندان کم نیست

(قبله مایل به تو، ۳۹)

این بیت تلمیح دارد به ماجرای شکسته شدن دندان پیامبر (ص) در نبرد احد.

۲-۲-۳- یوسف (ع)

حضرت یوسف (ع) از پیامبران بنی‌اسحاق و یازدهمین پسر یعقوب نبی بود؛ که در زیبایی و پاکی و صداقت مشهور است. داستان یوسف در قرآن در سوره یوسف آمده است. شاعران فارسی زبان از دوران گذشته تا به امروز از حضرت یوسف به کرات در آثار خود بهره بردند و بارها و بارها نام وی را در کتب خود به ثبت رسانده است. حمیدرضا برقی نیز از این شخصیت دینی در آثار خود نام می‌برد؛ که در ادامه به تلمیحات مختلف از داستان یوسف اشاره خواهیم کرد.

◆ زیبایی یوسف (ع)

اسیر جاذبه حسن یوسف یاسم
که در محو گل مریم نمی‌شوم هرگز

(طوفان واژه‌ها، ۲۵)

◆ یوسف و آئینه

وصف آئینه کار شاعر نیست
از لب خود شنیدنی هستی
کاش می‌شد خودت بگویی
که از خودت چه تجسمی داری

(طوفان واژه‌ها، ۴۷)

این ابیات تلمیح دارد به داستان دوست یوسف که به دیدارش می‌رود و برایش آئینه ارمان می‌برد و به حضرت یوسف می‌گوید که هر چه گشتم بهتر از آئینه برای تو نیافتم تا زیبایی خود را در آن ببینی. این داستان را مولانا در مثنوی به طرز زیبایی سرود است. برقی نیز به این داستان اشاراتی کرده است.

◆ دلباختگی زلیخا همسر عزیز به یوسف

کاری کن ای عزیز، زلیخا شود دلم یوسف
اگر تویی، جگر غرق خون کم است

(طوفان واژه‌ها، ۵۲)

این بیت تلمیح دارد به دلدادگی زلیخا همسر عزیز مصر به یوسف. این داستان از جمله داستان‌هایی است که در ادبیات فارسی بازتاب زیادی دارد و بیشتر شاعران این داستان را به شکل‌های گوناگونی سروده‌اند. برقی نیز به این داستان اشاره کرده است.

◆ کور شدن یعقوب در فراق یوسف

آه یک چشمم زلیخا آن یکی یعقوب شد
حال یوسف را ببینم با کدامین دیده‌ام؟

(قبله مایل به تو، ۴۰)

این بیت علاوه بر دلدادگی زلیخا به یوسف نیز تلمیح دارد به نابینا شدن یعقوب در فراق فرزندش یوسف که در اثر گریه زیاد چشمانش را از دست داد.

◆ یوسف و چاه

و شاید من سر از کاخ عزیزی درمی آورم
اگر تشخیص می‌دادم چو یوسف راه را از چاه
(همان، ۴۲)

◆ پیراهن یوسف

این پرده‌ای از شور عراقی و حجازی ست
پیراهن تو چنگ و جهان دست زلیخا
(همان، ۵۶)

کعبه وقتی که در آغوش خودش یوسف دید
خود زلیخا شد و خود پیرهن صبر درید
(همان، ۷۶)

این ابیات تلمیح دارد به ماجرای زلیخا که پیراهن یوسف را از پشت پاره می‌کند. این ماجرا در ابیات فارسی بازتاب گسترده‌ای دارد.

۳-۲-۳- ابراهیم (ع)

◆ داستان ابراهیم و به آتش افکندن وی

سر تا به پا خلیل گلستان نشین شدم
هرجا که در عزای شما آتشم زدند
(طوفان واژه‌ها، ۲۷)

این بیت تلمیح دارد به ماجرای به آتش افکندن حضرت ابراهیم به دستور نمرود بعد از شکستن بت‌های بتکده و سرد شدن آتش برای حضرت ابراهیم و تبدیل به گلستان شدن برای وی. این ماجرا در بسیاری از دیوان شاعران فارسی بازتاب دارد.

◆ ابراهیم و بتکده

خلیل با تبر آمد به بتکده، اما به
روی دوش محمد، خلیل می‌آورد
(طوفان واژه‌ها، ۴۲)

این بیت تلمیح دارد به وارد شدن حضرت ابراهیم به بتکده و شکستن تمام بت‌ها که باعث جهل و نادانی مردم زمانش شده بود.

◆ زمزم و اسماعیل و هاجر

نمی فرات بی‌ساور، چرا که من قانع
به سلسبیل و به زمزم نمی‌شوم هرگز
(همان، ۲۶)

با زمزم نـگـاه، دما دم هزار شمع

روشن کنند هاجر و مریم کنار تو

(همان، ۶۴)

گریه کردم، عطش آمد به سراغم،

گفتم به فدای لب خشکت! همه جا زمزم شد

(قبله مایل به تو، ۲۴)

این ابیات تلمیح دارد به ماجرای هاجر همسر حضرت ابراهیم و پسر خردسالش اسماعیل که در میان اطراف کعبه در پی آب می‌گشت وی هفت بار در میان صفا و مروه رفت و آب پیدا نکرد. اسماعیل از فرط تشنگی پا بر زمین کشیده و به امر خداوند آب از زیر پای وی شروع به جوشیدن کرد. این همان چشمه است که اکنون در مسجدالحرام قرار دارد. در سوره ابراهیم این داستان آمده است و سعی بین صفا و مروه که جزو اعمال حج است از این داستان است.

۴-۲-۳- موسی (ع)

◆ شکافتن دریا و عبور موسی از آن

«فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ: و به دنبال آن به موسی وحی کردیم، عصایت را به دریا زن، دریا از هم شکافته شد و هریکشی همچون کوه عظیمی بود.» (سوره شعرا/۶۳).

ز اشک شوق، ملک زیر پایش دریا شد

و کعبه غرق کلیمی که نیل می‌آورد

(طوفان واژه‌ها، ۴۱)

به خدا با خداتر از موسی

بی عصا می‌گذشتی از دریا

(قبله مایل به تو، ۵۲)

در این ابیات تلمیح دارد به داستان عبور موسی و قومش از رود نیل. از جانب خداوند به موسی وحی شد که عصایت را بر زمین بزن و رود نیل خشک شد و او و قومش به سلامت از آن گذشتند.

۳-۳- تلمیحات امامان

۱-۳-۳- امام علی (ع)

سخن‌گفتن از شخصیت انسان کامل، فخر بشر، سرور عارفان و مولای پرهیزگاران، علی بن ابیطالب (ع) بسیار دشوار است؛ چرا که وجود بی‌بدیل او که از صدر اسلام تاکنون مورد بحث و گفتگوی صاحبان اندیشه بوده و کتاب‌ها و مقالات زیادی درباره‌ی وی نوشته شده و هنوز ناشناخته مانده و همچنان مایه‌ی اعجاب اهل نظر است. گروهی از شاعران با استفاده از عنصرخیال و توجه به شکل ظاهری و ذهنی، بوستان شعر خود را طراوت و زیبایی بخشیده‌اند. برقی نیز از این گونه شاعران معاصر است. در ادامه به تلمیحات اشاره می‌کنیم:

◆ ضربت خوردن امام علی (ع) در مسجد کوفه

آن روز سرخ، علقمه محراب کوفه شد

در دست ابن ملجم، میدان، عمود بود

از شوق سجده صالح دین از فراز اسب

بر خاک سبز کرب و بلا در سجود بود

(طوفان واژه‌ها، ۳۱)

در این ابیات به واقعه ضربت خوردن حضرت علی (ع) توسط عبدالرحمن بن ملجم مرادی از قبیله کندی در سحرگاه روز ۱۹ رمضان در مسجد کوفه درحالی که امام علی در محراب مسجد درحال سجده بودند؛ اشاره دارد. این واقعه در ادبیات فارسی بازتاب زیادی دارد و شاعران بسیاری در اشعار آئینی خود، بیزاری خویش را از قاتل قاتل امام علی (ع) را به شکلی زیبا سروده‌اند.

◆ مولود کعبه

مولای ما نمونه دیگر نداشته است
وقت طواف دور حرم فکر می‌کنم
عجاز خلقت و برابر نداشته است
این خانه بی دلیل ترک بر نداشته است
(طوفان واژه‌ها، ۳۹)

این ابیات به ولادت امام علی (ع) در سیزدهم رجب در درون خانه خدا اشاره دارد. مشهور و معروف است که امام علی (ع) در درون خانه کعبه به دنیا آمد و خداوند متعال این فضیلت را به آن حضرت اختصاص داده، به نحوی که نه پیش از او و نه پس از او، کسی در داخل کعبه به دنیا نیامده است. مادر ایشان فاطمه بنت اسد در زمان حمل به طواف کعبه می‌رود. ناگهان درد زایمان شروع می‌شود و دیوار کعبه به اذن خدا شکافته می‌شود و درون آن شکاف شده و بعد از سه روز آن شکاف مجدد باز می‌شود و فاطمه بنت اسد از آن خارج شده درحالی که امام علی (ع) را در دست داشت.

◆ واقعه غدیر

«یاایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس: ای پیامبر، آنچه را از پروردگارت بر تو فرود آمده است به مردم برسان و اگر نرسانی رسالت خدای را بجا نیاورده‌ای و خداوند تو را از گزند مردم حفظ می‌کند.» (سوره مائده/۶۷).

در طول تاریخ حوادث و وقایعی اتفاق افتاده است که سرمشقی برای سرودن شعر توسط شاعران شده است. یکی از این وقایع، واقعه غدیر خم است. در سال دهم هجرت رسول خدا به حج رفت و در راه بازگشت در استراحتگاه جحفه در غدیر خم آیه قرآن نازل شد مبنی بر اعلام ولایت امیرالمؤمنین و پیامبر از جهاز شتران منبری ساخت و همراه حضرت علی (ع) بر روی آن رفته و اعلام ولایت امیرالمؤمنین را بر همگان آشکار ساخت؛ و فرمود: «هرکس من مولای اویم اینک علی مولای اوست.» این واقعه در طی قرن‌ها در شعر شاعران مسلمان و ادب فارسی نمود پیدا کرد.

دیدیم در غدیر که دنیا به جز علی
آینه‌ای برای پیامبر نداشته است

(طوفان واژه‌ها، ۳۹)

◆ واقعه فتح خیبر

طوری ز چارچوب، در قلعه کنده است
انگار قلعه هیچ زمان در نداشته است
(طوفان واژه‌ها، ۴۰)

خیبر نام قلعه‌ای است در راه تبوک و شام واقع است. فتح خیبر به دستور خداوند متعال و بدون لشکرکشی و توسط پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) صورت پذیرفت؛ و امام علی در این قلعه را از جا می‌کند، کاری که دیگران از انجام آن عاجز بودند.

◆ سخن امام علی به برادرش عقیل

علی برادرش را به عدل ثابت کرد
که شعله جانب دست عقیل می‌آورد

(طوفان واژه‌ها، ۴۲)

این بیت تلمیح دارد به این داستان که عقیل برادر تنگدست امام علی (ع) بود که درخواست کرد از امام که از بیت المال مسلمین به وی بدهد و امام علی در پاسخ درخواستش شعله آتش را در دستش می‌گذارد و به او می‌فهماند که از آتش جهنم به خاطر بی‌عدالتی بترس.

◆ شکستن بت‌ها توسط امام علی (ع)

خلیل با تبر آمد به بتکده، اما به روی دوش محمد، خلیل می‌آورد

(طوفان واژه‌ها، ۴۲)

دمی که رفتی به دوش احمد تمامی کائنات گفتند

کسی نبوده، کسی ندیده، کسی نرفته فراتر از تو

(قبله مایل به تو، ۳۰)

این ابیات تلمیح دارد به شکستن بت‌ها توسط امام علی (ع) که در روز فتح مکه ایشان بر روی دوش پیامبر رفت و بت‌ها را شکست؛ و همچنین تلمیح دارد به شکستن بت‌ها توسط حضرت ابراهیم. برقی این دو ماجرای شبیه به هم را به طرز زیبایی در یک بیت آورده است.

◆ چاه و علی

نوشتی از روزگار سیرم برای تنهائی‌ات بمیرم

به چاه گفתי کسی نمانده برای من آشناتر از تو

(همان، ۳۰)

این بیت تلمیح دارد به ماجرای درد دل کردن امام علی (ع) با چاه که سر در چاه می‌نمودند و از دست دشمنان و منافقان گریه می‌کرد. این قضیه در ادبیات فارسی بازتاب دارد و شاعران بسیاری در اشعارشان آن را انعکاس داده‌اند.

۲-۳-۳- فاطمه زهرا (س)

حضرت فاطمه (س) آئینه تمام‌نمای فداکاری، عصمت، دفاع از حریم ولایت و دهها سجایای انسانی است. آن بانو، اقیانوسی است که هر یک از شاعران به گنجایش خویش با شعرهای خود در وصف آن دردانه پیامبر در ساحل این اقیانوس بیکران قدم می‌زنند. برای اظهار محبت و ابراز عشق به این یادگار پیامبر (ص)، شاعران فارسی معاصر در آثار خود از یکدیگر پیشی جسته و هر کدام به نحوی شاهکارهایی آفریدند که از هر نظر حائز اهمیت است.

◆ قلعه فدک

باز هم فاطمه در کوچه غربت تنهاست شهر مجموعه‌ای از زخم فدک نشناسان

(طوفان واژه‌ها، ۵۴)

این بیت تلمیح دارد به ماجرای فدک که نام دهی آباد با باغ‌های فروان بوده است که پیامبر آن را فتح نمود و جزو اموال وی محسوب می‌شد در آیه ۲۶ سوره اسراء طبق دستور خداوند فدک را به فاطمه زهرا می‌بخشد اما پس از رحلت پیامبر آن را از وی می‌گیرند.

◆ طول عمر فاطمه زهرا (س)

دنیای ما نبوده برازنده شما هجده نفس زمین شده شرمنده شما

(طوفان واژه‌ها، ۵۷)

۳-۳-۳- امام رضا (ع)

◆ شفاعت کردن آهو

سوال می‌کند از خود هنوز آهوئی که بین دام و نگاهت کدام صیاد است؟

(طوفان واژه‌ها، ۴۶)

این بیت تلمیح دارد به ماجرای شفاعت کردن امام رضا برای آهوئ اسیر شده از دست صیاد. این ماجرا در ادبیات فارسی بازتاب زیادی دارد؛ و لقب ضامن آهو به امام رضا (ع) از این ماجرا است.

◆ دعای امام رضا در حق دعبل خزایی

دعبل خزایی در وصف امام رضا (ع) است تلمیح دارد به ماجرای مدح دعبل بن خزایی در مورد ایشان. دعبل از جمله ممدوحان امام رضا (ع) بود که زمانی ایشان را در قصیده‌ای مدح می‌کند. در قسمتی از این قصیده در مورد ظهور ولی عصر (عج) و جدا کردن حق از باطل چند بیتی آورده است. هنگامی که دعبل این ابیات را برای حضرت امام رضا (ع) خواند، امام بسیار گریستند سپس به دعبل فرمودند: «یا خزاعی نطق روح القدس علی لسانک بهذین البیتین» (ای دعبل خزاعی این جبرئیل بود که این دو بیت را بر زبان تو جاری کرد). در انتهای قصیده مدارس آیات دعبل یکی از دعا‌های خود را امن و امان بودن بعد از مرگش می‌خواند: امام رضا (ع) با شنیدن این بیت به دعبل فرمودند: ای دعبل خداوند تو را از روز قیامت ایمن گرداند. هنگامی که دعبل خواندن قصیده را به پایان رساند، حضرت امام رضا (ع) ده هزار سکه همراه دستمال و پیراهن خود را به دعبل هدیه دادند. (دعبل خزایی، ۱۳۹۱: ۲۳). این داستان در ادبیات فارسی بازتاب زیادی دارد و بسیاری از شاعران در آن را در دیوان‌های خود آورده‌اند.

(قبله مایل به تو، ۴۹)

غزل ترانه بخوانم، در آرزوی عبایت
من از خودم که شمایی، چقدر فاصله دارم
منی که شعر نگفتم، مگر به لطف دعایت

۳-۴ - تلمیحات احادیث

◆ لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار

روایت شده است که در روز جنگ احد، امام علی (ع) برای دفاع از جان پیامبر به تنهایی پیش روی رسول اکرم (ص) می‌جنگید و از هر طرف که دشمن قصد جان ایشان را داشت، آنان را دفع می‌کرد تا آنجا که نود زخم به صورت آن بزرگوار وارد شد و در اینجا بود که جبرئیل از آسمان ندا می‌دهد: لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار هیچ جوانمردی همچون علی و هیچ شمشیری چون ذوالفقار نیست. (بحارالانوار، ۱۲۹ ج ۲۰).

این جمله بازتاب فراوانی در ادبیات دارد. برقی نیز به زیبایی سروده است:

یا غیر لافتی صفتی در خورش نبود یا جبرئیل واژه بهتر نداشته است

(طوفان واژه‌ها، ۴۰)

چگونه وصف شه لافتی کنم که خدا به مدح او صفت از این قبیل می‌آورد

(همان، ۴۲)

نوشته بر تیغ ذوالفقارت که جبر باشد در اختیارت

و مرد عالم فقط تو هستی خودتویی لافتی تر از تو

(قبله مایل به تو، ۳۰)

◆ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا

پیامبر خدا (ص) فرمود: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ مِنْ شَهْرِ دَانِشْمِ وَعَلِيٍّ، دروازه آن است. آن که می‌خواهد از دروازه (شهر) وارد شود، نزد علی برود.

سوگند می‌خورم که نبی شهر علم بود شهری که جز علی در دیگر نداشته است

(طوفان واژه‌ها، ۴۰)

◆ أُمُّ أَبِيهَا

آئینه‌ای و سنگ صبور پیمبری در هر نفس برای پدر مثل مادری

(طوفان واژه‌ها، ۵۷)

خوشا به حال پیمبر چه مادری دارد درون خانه بهشت معطری دارد

(همان، ۶۰)

این ابیات تلمیح به سخن پیامبر (ص) دارد که به حضرت فاطمه می‌فرمود ام ابیها یعنی مادر پدر؛ که دلسوزی حضرت فاطمه نسبت به پدرش مانند مادر به فرزند بود.

◆ مشهد حج فقرا

یازده بار به جای تو به مشهد رفتم بپذیرش!

به خدا حج فقیران کم نیست

(قبله مایل به تو، ۳۹)

این بیت تلمیح دارد از حدیث «إِنَّ زِيَارَتِي تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْفَاحِجَةَ» زیارت قبر امام رضا معادل هزار حج است. (نوری، ۱۴۰۸: ۳۵۹ ج ۱۰).

۵-۳- تلمیحات تاریخی

◆ لیلی و مجنون

همواره در برابر لیلی جنون کم است

شیرین اگر تویی به خدا بیستون کم است

(طوفان واژه‌ها، ۵۱)

با آمدنت قاعده عشق به هم خورد

لیلی تو مجنون شد و مجنون تو لیلیا

(قبله مایل به تو، ۵۶)

مجنون علی شد همه شهر ولی من

مجنون علی اکبر لیلانم به مولا

(همان، ۵۷)

این ابیات اشاره به ماجرای دلدادگی لیلی و مجنون دارد که در ادبیات فارسی بازتاب فراوانی دارد به طوری که نام اثر برخی از شاعران شده است؛ و همچنین تلمیح دارد به ماجرای دلدادگی فرهاد بر شیرین همسر خسرو پرویز ساسانی.

◆ شیرین و فرهاد

همیشه از تو سرودن چه سخت و شیرین است

شبیه تیشه زدن‌های سخت فرهاد است

(طوفان واژه‌ها، ۴۶)

همواره در برابر لیلی جنون کم است

شیرین اگر تویی به خدا بیستون کم است

(همان، ۵۱)

بیستون دیشب به چشمم جاده‌ای هموار بود

این سیرین را خبر کن، خواب شیرین دیده‌ام

(قبله مایل به تو، ۴۰)

این ابیات نیز از ماجرای شرح دادگی فرهاد سنگ‌تراش به شیرین، شاهزاده ارمنی و همسر خسرو پرویز است؛ که شرط خسرو را مبنی بر تراشیدن کوه بیستون را به آخر می‌رساند و ادبیات فارسی از این ماجرا به کرات سخن رفته است. برقی نیز به این دلدادگی اشاراتی داشته است.

◆ حسنک وزیر

قصه را زنده نگه‌دار غزل! در تاریخ بیهقی

باش و بگو از حسنک شناسان

(طوفان واژه‌ها، ۵۴)

این بیت تلمیح دارد به ماجرای تاریخی حسنگ وزیر منشی سلطان محمود غزنوی که از خاندان میکائیلیان نیشابور بود و در سال‌های آخر سلطنت محمود به جای حسن میمندی بوزارت گماشته شد و چون در نشاندن امیر محمد برادر سلطان مسعود بر تخت سلطنت کوشیده بود بقرمطی بودن متهم و به دار آویخته شد. بیهقی ماجرای به‌دار آویختن وی را تمام و کمال در کتاب خود می‌آورد. (تاریخ بیهقی، ۱۳۷۴: ۱۱۴).

◆ جنگ جمل

شتر سرخ را به خون غلتاند
لرزه بر لشکر جمل می‌ریخت

(قبله مایل به تو، ۳۷)

این بیت تلمیح دارد به جنگ جمل که به رهبری عایشه همسر پیامبر و با همکاری طلحه و زبیر به بهانه خونخواهی عثمان بر علیه امام علی (ع) رخ داد. در این جنگ چون عایشه برشتی سرخ موی سوار بود به جمل معروف شد؛ و یکی از معروفترین حوادث تاریخی اسلام است.

◆ جنگ ابابیل و سپاه ابرهه

واژه‌ها روی ابابیل لب سچیل است
دام بگذار که گنجشگ تو جبرائیل است

(قبله مایل به تو، ۷۷)

این بیت تلمیح دارد به واقعه تاریخی حمله سپاه ابرهه به کعبه که به امر خداوند پرندگانی به نام ابابیل در حالی که سچیل (سنگریزه) در دهان داشتند سپاه ابرهه را در نابود می‌کنند.

۳-۶- تلمیح به ضرب المثل و سخنان مشهور

ضرب المثل‌ها:

◆ آب از سر گذشتن:

ساعات عمر من همگی غرق غم گذشت
دست مرا بگیر که آب از سرم گذشت

(طوفان واژه‌ها، ۲۱)

◆ در یک چشم برهم زدن

به قدر یک مژه بر هم زدن، تو را دیدم
تمام حرف دلم را در این مجال زدم

(همان، ۲۴)

◆ گرگ باران دیده

مو سپیدم مو سپیدم مو سپید
گرگ باران دیده بودم، برف سنگین دیده‌ام

(قبله مایل به تو، ۴۰)

◆ ها علیٰ بشر کیف بشر

روز و شب از تو قضا از تو قدر می‌گویند
ها علیٰ بشر کیف بشر می‌گویند

(قبله مایل به تو، ۷۷)

این بیت زیبا تلمیح دارد به شعر معروف شهریار که در آن بیت این مصراع آمده است که در وصف امام علی (ع) سروده شده است.

◆ باز این چه شورش است

من حاضرم قسم بخورم: اگر عشق نبود
عمان نبود «محتشم» آوازه‌ای نداشت

(طوفان واژه‌ها، ۴۳)

باز این چه شورش است که در جان واژه‌هاست

شاعر شکست خورده طوفان واژه‌هاست (همان، ۷۳)

این ابیات تلمیح دارد به ترجیع‌بند معروف محتشم کاشانی که با آن به شهرت رسید؛ و ابتدای آن با این جمله آغاز می‌شود: باز این چه شورش است که در خلق عالم است.

نتیجه‌گیری

شعر آیینی، آینه تمام‌نمای عقاید شاعران متعهد شیعه است که در شکل و ظاهری ادبی بیان می‌شود. شاعران به عنوان مبلغان فعال، در عالم ادبیات، با سرودن اشعاری که مضمون آن‌ها اعتقاد راسخ به ائمه اطهار (ع) و دفاع از عقاید شیعی، ایجاد حماسه و نفی ظلم و استبداد است، وظیفه خطیر خود را به منصب ظهور می‌رسانند و به آفرینش آثار ادبی می‌پردازند. کاربرد وسیع انواع تلمیحات در اشعار آئینی حمیدرضا برقی، موجب خلق معانی تازه می‌گردد؛ و همچنین باعث غنی ساختن تصاویر شعری شعر او می‌شود. این ویژگی و توانایی او نشان دهنده وسعت آگاهی اوست و همواره لذت ادبی زیادی را نیز برای خواننده به همراه دارد. با وجود آنکه حمیدرضا برقی در میان شاعران معاصر چندان شناخته شده نیست و تحقیقات زیادی در جهت درک زوایای تفکر و اندیشه‌های دینی و یا موسیقی شعر او انجام نشده است؛ اما توانایی، هنر و چیره دستی شاعر در به‌کارگیری آرایه‌های ادبی و به‌خصوص تلمیحات آئینی جایگاه وی را در میان شاعران معاصر خود ترفیع داده است. او در این دو اثر که در این تحقیق مورد بررسی واقع شدند به انواع تلمیحات اشاره دارد و درمورد آن‌ها طبع آزمایی کرده است و می‌توان گفت در این دو اثر به میزان قابل توجهی تلمیح بکار رفته است؛ و حجم وسیعی از اشعار او را در بر گرفته است؛ و در بین انواع تلمیح وی به تلمیحات قرآنی و پیامبران توجه بیشتری نموده است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. برقی، سید حمیدرضا (۱۳۹۲). طوفان واژه‌ها، چاپ هجدهم، انتشارات فصل پنجم.
۳. برقی، سید حمیدرضا (۱۳۹۰). قبله مایل به تو، چاپ اول، انتشارات فصل پنجم.
۴. خطیب رهبر، خلیل (۱۳۷۴). گزیده تاریخ بیهقی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات مهتاب.
۵. دعبل‌خزاعی (۱۳۹۱). علی‌اکبرولایتی، سرویراستاری هومن عباسپور، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۶. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغتنامه، تهران: موسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

۷. شمیسا، سیروس (۱۳۹۰). فرهنگ تلمیحات، تهران: نشر میترا.
۸. صفاء، ذبیح‌الله (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات در ایران، چاپ دهم، تهران: نشر فردوسی.
۹. کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۷۳). بدیع ۳ زیباشناسی سخن پارسی، چاپ هفتم، تهران: نشر آگاه.
۱۰. محبتی، مهدی (۱۳۸۶). بدیع نو، چاپ دوم، تهران: نشر سخن.
۱۱. محدثی‌خراسانی، زهرا (۱۳۸۸). شعرآئینی و تأثیرانقلاب اسلامی بر آن، چاپ اول، تهران: انتشارات مجتمع فرهنگی عاشورا.
۱۲. محمدی، محمدحسین (۱۳۸۵). فرهنگ تلمیحات شعر معاصر، چاپ دوم، تهران: نشر میترا.
۱۳. مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۵ ه.ق). بحارالانوار، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. مجاهدی، محمدعلی (۱۳۷۹). شکوه شعر عاشورا، چاپ اول، قم: مرکز تحقیقات اسلامی سپاه.
۱۵. میرصادقی، میمنت (۱۳۷۷). واژه‌نامه هنرشاعری، فرهنگ تفصیلی اطلاعات فن شعر و سبک‌ها و مکتب‌های آن، تهران: انتشارات کتاب مهناز.
۱۶. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل، قم: موسسه آل‌البیت (ع).
۱۷. همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۷). فنون بلاغت و صناعات ادبی، قم: نشر هما.
۱۸. همتی، همایون (۱۳۸۷). فهم هنر و هنر فهم، چاپ اول، آبادان: پرسش.

Reflection of the Typhoid Types in Ancient Poems Seyyed Hamidreza Burgahi

Muslim Shabani

*Master's Degree in Persian Language and Literature in Payame Noor University in Khorramshahr. The Secondary Secondary School of
Adibit Secondary School in Arvandankar*

Abstract

The poets of each era have used stories and historical events to validate their work from the Qur'an of Majid 'Ahadith, the Prophet and the Prophet Muhammad. One of these industries is a talisman and is considered to be an innovative spiritual adventure that is highly regarded by the real poets. It is in the style of looking at the word and pointing the corner of the eye. And in the novel, it is that the author, or, a poet to refer to a hadith or a story or a famous or well-known parable or poem, is to say. The value of the talmish depends on the amount of association that results from it. Seyyed Hamidreza Burgahi is one of the young poets who is considered as the poetry of contemporary poets of the contemporary period. His poems include religious tales and a lot of Quran. This essay examines the types of talmhay in his poems. The results of this research show that the burglary is more based on the attention to the hymns and religious stories. And there is a direct relationship between his talmities and his religious attitude.

Keywords: Hamid Reza Berehi, The Word of the Words, The Quest for You, The Tillmilah.
